

نظر روز

آریا مجد
روزنامه‌نگار ورزشی

سه مربی، سه رویکرد

تیم ملی هفته پرازنهایی را پشت سر گذاشت و در روزهای گذشته اخبار ضد و نقیضی درباره آینده نیمکت آن شنیده می‌شود. در حال حاضر محتمل‌ترین گزینه این است که یک مربی ایرانی جای اسکوچیچ را بگیرد، هرچند هنوز هیچ چیز قطعی نیست و شاید این گره پیش از انتخابات شهریور ماه ریاست فدراسیون باز نشود.

آخرین بار یازده سال قبل یک مربی ایرانی هدایت تیم ملی را بر عهده داشت. ایران با افشین قطبی به جام ملت‌های ۲۰۱۱ رفت و امید زیادی به قهرمانی آن تیم وجود داشت، ولی بعد از سه برد متوالی در مرحله گروهی در یک چهارم نهایی مثل سال ۲۰۰۷ پشت سد کره جنوبی گرفتار شدیم. قطبی هم به سرنوشت قلعه‌نویی دچار شد و شکست در این مقطع به معنی پایان مأموریتش بود.

انتخاب سرمربی ایرانی بیش از آنکه به دلایل فنی باشد، ریشه در محدودیت‌های زمانی و مالی دارد. اگر این تصمیم قطعی شود، سه گزینه بخت نشستن روی نیمکت تیم ملی را خواهند داشت؛ دایی و قلعه‌نویی که قبلاً این نیمکت داغ را تجربه کرده‌اند و نکتانم که در مقطع کوتاهی دستیار کی‌روش در تیم ملی بود. هر کدام از این مربیان می‌توانند آورده متفاوتی داشته باشند و باید دید در این شرایط تیم ملی چه نیازهایی دارد؟ بعد از ماجرای استوری‌ها اولویت سرمربی جدید بازگرداندن اتحاد بین بازیکنان و رفع سوءتفاهمات است. همچنین با توجه به محدودیت زمان، فعالیت نکتانم و قلعه‌نویی در لیگ برتر و شناخت دقیق‌تر آنها از بازیکنان نسبت به دایی یک مزیت محسوب می‌شود. نکتانم در آخرین تجربه مربیگری بین‌المللی‌اش با فولاد موفق بوده و نسبت به دورقیب دیگرش مربی مدرن‌تری است. او همچنین سابقه دو بار بازی در جام جهانی را دارد و با فضای این تورنمنت آشناست. نکتانم با یک دستیار خارجی می‌تواند زوج خوبی برای هدایت تیم ملی بسازد. در طرف دیگر قلعه‌نویی می‌تواند از تجربه جام ملت‌های ۲۰۰۷ درس بگیرد و در صورت انتخاب رویه متفاوتی در پیش بگیرد.

اینجا والیبالیست نیست!

سام ستارزاده
روزنامه‌نگار ورزشی

در بسیاری از ورزش‌های گروهی، بازیگری و سرمربیگری دو دنیای کاملاً متفاوت هستند. با استعداد و علاقه، برخی اشخاص می‌توانند یک فوتبالیست ماهر و موفق باشند؛ اما بدون تحصیلات آکادمیک و اصولی و آگاهی از مبانی علم مربیگری، کسی نمی‌تواند یک سرمربی توانمند باشد. بهره‌مندی از زیرساخت‌های پرورش سرمربیان با دانش و کاربرد، تفاوت بزرگی میان دنیای والیبالیست و فوتبالیست؛ تفاوتی

که به تنهایی ما را قانع می‌کند که فوتبالیست ایران هنوز به سرمربیان خارجی طراز اول نه نیاز، بلکه وابستگی دارد.

مردامه سال ۹۸ بود که تیم زیر ۲۱ ساله‌های والیبالیست کشورمان روی سکوی قهرمانی جهان ایستاد. یکی از مقامات بلندپایه کشور با تحسین سرمربی ایرانی تیم، سایر فدراسیون‌ها و باشگاه‌های ورزشی را به استفاده از مربیان داخلی تشویق کرد. بدین ترتیب، بذریه تفکر نادرست پاشیده شد که چون والیبالیست‌مان با مربی ایرانی موفق شد، فوتبال و بسکتبال‌مان هم باید قید مربیان خارجی را بزنند. آن مربی والیبالیست

کسی نبود به جز بهروز عطایی. چند روز قبل، تیم ملی والیبالیست بزرگسالان کشورمان با کسب هفتمی لیگ ملت‌های جهان، به یک چهارم نهایی راه یافت؛ اتفاقی که موجب شد تفکر ذکر شده قوت گرفته و در فوتبال ریشه بدواند.

اما حقیقت این است که نسخه والیبالیست نمی‌توان برای فوتبال پیچید. بهروز عطایی پیش از رسیدن به تیم ملی اصلی، ۱۲ سال به عنوان دستیار و سرمربی تیم‌های پایه تجربه آموخت. آیا فوتبال از چنین ساختاری برای رشد مربیان داخلی برخوردار است؟ کدام باشگاهی را در ده سال اخیر دیده‌اید

که حاضر باشد تیم بزرگسالان را به سرمربی تیم‌های پایه بسپارد؟ در فوتبال ما، مربی پرورنده نمی‌شود؛ بلکه سیدمهدی رحمتی، محرم نویدکیا و سید جلال حسینی می‌توانند فردای روزی که کشف‌های‌شان را آویختند، با اعتباری سنگین وارد چرخه مربیگری شوند.

کدام سرمربی در فوتبال ما از تیم‌های نوجوانان، جوانان و یا امید کشورمان برخاسته است؟ همان کمیته فنی که صلاحیت اسکوچیچ و کی‌روش را رد می‌کند، تیمک‌تیم‌های پایه را به نام‌هایی سپرده است که در ۱۵ سال گذشته، حتی در دو

سطح فوتبال باشگاهی کشورمان جزو مربیان ناکام بوده‌اند. حقیقت فوتبال ایران این است که شاخص‌های کیفیت فنی لیگ برتر از زمان کوچ مربیان خارجی آن دچار افت شدیدی شده اما ما با شعار «گل شیدر چه کم از لاله قرمز دارد» چشم بر بی‌کیفیتی محصولات مان بسته‌ایم. نتیجه پیچیدن نسخه والیبالیست برای فوتبال، یا بازگشت به دوران پیش از کی‌روش با انتخاب علی دایی و امیر قلعه‌نویی خواهد بود و یا انتخاب نکتانم به قیمت تخریب فولاد، نماینده لیگ خلیج همیشه فارس در لیگ قهرمانان آسیا.

۱۹۹۸، بیست و چهار سال بعد!

که البته در اعتبار و آوازه با ایویچ فاصله کیلومتری دارد و البته در جام جهانی نیز دست بر قضا با امریکا همگروه هستیم. بازی با این دشمن سیاسی برای حاکمیت ما از اهمیت فراوانی برخوردار است. به نظر می‌رسد که این بار همان نسخه ۲۴ سال پیش دوباره برای فوتبال ایران قرار است تجویز شود. نسخه‌ای که البته با توجه به شرایط موجود می‌تواند عواقب و ناکامی بزرگتری از ۲۴ سال گذشته داشته باشد و حتی شانس‌های حداقلی برای توفیق در جام جهانی بویژه در بازی حیثیتی برابر امریکا را به صفر برساند تا بدترین جام جهانی تاریخ را تجربه کنیم. این خطر را باید جدی گرفت.

آیسان سعیدی
روزنامه‌نگار ورزشی

هیاهو بر سر حضور مربی ایرانی در کادر فنی تیم ملی ایران به اوج رسیده. هیاهویی که بیش از یک دهه در حوالی تیم ملی فوتبال خبری از آن نبود اما ناگهان در یک دگردیسی تاریخی دوباره لقلقه زبان‌ها شده. بهانه‌ها بسیارند اما حضور مربیان ایرانی در رأس تیم‌های ملی ورزشی در همه رشته‌ها به نظر یک دکترین نامرئی در ورزش ایران است و حالا قرار است این دکترین در فوتبال نیز اجرا شود. مدافعان این پروژه به مثال دم‌دستی والیبالیست اشاره می‌کنند که بعد از دو دهه که در تیول قدرت خارجی‌های نامدار و با اسم و رسم بوده، حالا با مربی ایرانی در لیگ ملت‌های والیبالیست خوش می‌درخشند و برای رقبا خط و نشان می‌کنند.

این حرف‌بهری نیست و البته طرفداران خاص خود را دارد. حضور مربی ایرانی که درون مرزهای این جغرافیا زندگی کرده، بزرگ شده و فرهنگ و آداب ایرانی در گوشت و پوست و استخوان وی جاری است، یک پوئن و مزیت بزرگ است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن عبور کرد اما نقطه تاریک آنجاست که به مؤلفه‌های دیگر سرمربیگری یعنی مهارت، تخصص، دانش، اتوریته و کاریزما می‌نگریم و گزینه‌های ایرانی را جملگی تهی از این مؤلفه‌ها می‌بینیم. عجیب اینکه سرنوشت این روزهای تیم ملی شباهت بسیاری با سال ۹۸ دارد. آنجا که تومیسلاو ایویچ نامدار و کارنامه‌دار را در فاصله چند ماه مانده به جام جهانی با یک کودتای بدون خونریزی و با بهانه‌های عجیب کنار گذاشتیم تا یک مربی ایرانی روی نیمکت تیم ملی در جام جهانی بنشیند. مربی‌ای که عملاً چیزی برای ارائه نداشت تا یکی از بهترین نسل‌های تاریخ فوتبال ایران در جام جهانی رستگار نشود. این بار نیز تاریخ دوباره تکرار شده؛ درآگان اسکوچیچ کروات سرمربی فعلی ما است



در تاریخ فوتبال ایران از ابتدا تا امروز، ۴۰ مربی روی نیمکت تیم ملی نشسته‌اند که از این تعداد، ۵ نفر کروات بودند، ۲ مربی از برزیل و مجارستان آمدند و مربیانی از کشورهای بلژیک، بوسنی و هرزگوین، ایرلند، پرتغال، روسیه، اسکانلند و صربستان هم یک بار افتخار نشستن روی نیمکت تیم ملی را به دست آوردند. باقی مربیان، ایرانی بودند. در این لیست اسامی‌ای چون حسین صدقیانی، مصطفی سلیمی، حسین فکری، محمود بیاتی، پرویز دهداری، محمد رنجبر، حشمت مهاجرانی، حسن حبیبی، جلال چراغپور، منصور یاور، ناصر ابراهیمی، فریدون عسگرزاده، رضا وطنخواه، مهدی مناجاتی، علی پروین، محمد مایلی‌گهن، جلال طالبی، منصور پورحیدری، همایون شاهرخی، امیر قلعه‌نویی، منصور ابراهیم‌زاده، علی دایی، افشین قطبی و علیرضا منصوریان مربیان ایرانی بودند که هدایت تیم ملی را برای یک یا چند بازی برعهده گرفتند. به همین بهانه بد نیست نگاهی به آمار مربیان ایرانی که بیش از ۱۰ بار روی نیمکت مقدس تیم ملی نشسته‌اند، داشته باشیم:

بهترین مربیان ایرانی در تاریخ تیم ملی

- محمد مایلی‌گهن: ۳۸ بازی ۲۳ برد ۶ باخت (۶۰ درصد برد)
- علی پروین: ۳۴ بازی ۱۵ برد ۱۱ مساوی ۸ باخت (۴۴ درصد برد)
- افشین قطبی: ۳۰ بازی ۱۶ برد ۶ مساوی ۸ باخت (۵۳ درصد برد)
- حشمت مهاجرانی: ۲۸ بازی ۱۵ برد ۷ مساوی ۶ باخت (۵۳ درصد برد)
- جلال طالبی: ۲۵ بازی ۱۴ برد ۶ مساوی ۶ باخت (۵۶ درصد برد)
- علی دایی: ۲۴ بازی ۱۵ برد ۶ مساوی ۳ باخت (۶۲ درصد برد)
- پرویز دهداری: ۲۰ بازی ۱۰ برد ۶ مساوی ۴ باخت (۵۰ درصد برد)
- امیر قلعه‌نویی: ۱۷ بازی ۱۰ برد ۶ مساوی ۱ باخت (۵۸ درصد برد)
- منصور پورحیدری: ۱۷ بازی ۹ برد ۵ مساوی ۳ باخت (۵۲ درصد برد)
- حسن حبیبی: ۱۲ بازی ۹ برد ۲ مساوی ۱ باخت (۷۵ درصد برد)

مربی داخلی؟ ممنونیم از شوخی بی‌مزه‌تان!

هوم جعفری
روزنامه‌نگار ورزشی

چه کسی را روی نیمکت بنشانیم، هر کسی بیاید، باید خودش را برای یک چیز آماده کند: جنگ روانی و فحش و بی‌اعتباری ملی. تنها کسی که الان باید برای تیم ملی بیاید، یک نفر است و لاغیر. کارلوس کی‌روش؛ دلیل؟ بین ملی‌پوشان و هواداران اعتبار دارد، هم از ما شناخت دارد هم از رقبا و از همه مهم‌تر با توپ پر می‌آید. وقتی بیاید همه فوتبال ایران ناچارند همراهش باشند. اگر بازی تدارکاتی خواست، زورش از نکتانم و قلعه‌نویی و یحیی گل محمدی بیشتر است! بودجه؟ همین طور! تعطیلی لیگ؟ همین طور! هر تصمیم

بازگشت به مربی داخلی برای تیم ملی، البته بعید است به جایی برسد. من خوشبینم که چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد. چرا؟ چون عقلانیتی هست که می‌داند مربی داخلی در یک فرصت چهار ماهه کاری که نمی‌کند هیچ، اعتبار خودش را هم دور می‌ریزد. قبلاً این مسیر را با امیر قلعه‌نویی و افشین قطبی رفتیم و مربیان قهرمان لیگ را به کریم قشیرهای تبدیل نمودیم. الان هم فرقی ندارد

دیگری؟ همین طور!

مربی داخلی، حتی اگر به بهترین و مناسب‌ترین شکل ممکن انتخاب شود هم بین مردم اعتبار ندارد. مردم برای جام جهانی مربی خارجی می‌خواهند و این را در تمام نظرسنجی‌ها اعلام کرده‌اند. مربی داخلی می‌خواهید؟ ببینید کدام یک را می‌خواهید طوری بسوزانید که دیگر در محلس هم تیم نگیرد. تیم ملی را به او بدید. قبلیش هم تأکید کنید دنبال شغل دیگری باشد. مربی ایرانی بعد از جام جهانی، باید دنبال شغل دیگری باشد.

نیمکت داغ، ایرانی‌ها را می‌سوزاند!

ایمان شیرازی
روزنامه‌نگار ورزشی

با تأکید فدراسیون بر انتخاب یک مربی ایرانی به عنوان جانشین درآگان اسکوچیچ، همه نگاه‌ها معطوف به صاحب جدید نیمکت تیم ملی است. حالا تردیدی در نشستن یک سرمربی ایرانی روی نیمکت تیم ملی در مسابقات جام جهانی وجود ندارد. اما سؤال مهم این است که اساساً کدام یک از مربیان ایرانی رزومه و مقبولیت لازم برای نشستن روی نیمکت تیم ملی را

دارند؟ شاید در مقطعی، نظر اهالی فوتبال در انتخاب گزینه داخلی برای هدایت تیم ملی در نهایت روی دو گزینه علی دایی و امیر قلعه‌نویی محدود می‌شد اما حالا نام‌های بیشتری پیرامون رختکن تیم ملی شنیده می‌شود و می‌توان از علی دایی، یحیی گل محمدی و حتی افشین قطبی به عنوان گزینه‌های سرمربیگری تیم ملی ایران نام برد. از این ۵ گزینه در حال حاضر ۲ نفر بدون تیم و ۳ نفر سرمربی تیم باشگاهی هستند. آخرین بار افشین قطبی به عنوان

یک ایرانی هدایت پوزهای سفید آسیا را بر عهده داشت، او که پس از اخراج علی دایی و عدم صعود تیم ملی به جام جهانی به این سمت رسید در ۲۷ بازی که هدایت تیم ملی را بر عهده داشت ۱۳ برد، ۷ مساوی و ۷ باخت از خود بر جای گذاشت و بعد از اینکه نتوانست همانند دوران مربیگری در پرسپولیس موفق عمل کند، به صورت توافقی از هدایت تیم ملی کناره‌گیری کرد. ایرانی تحمل نیمکت داغ تیم ملی را ندارد و چه بسا روی این نیمکت خواهد سوخت.

علی پروین
Ali Parvin

تعداد بازی: ۴۴
برد: ۲۰
تساوی: ۱۱
شکست: ۱۱ باخت

انتصاب: مهر ۶۸
اولین حضور روی نیمکت: ۱۰ آبان ۶۸
آخرین حضور روی نیمکت: ۲۲ آبان ۷۲

امیر قلعه‌نویی
Amir Ghalaei

تعداد بازی: ۱۸
برد: ۱۱
تساوی: ۶
شکست: ۱ باخت

انتصاب: تیر ۸۵
اولین حضور روی نیمکت: ۱۷ مرداد ۸۵
آخرین حضور روی نیمکت: ۳۱ تیر ۸۶

علی دایی
Ali Daei

تعداد بازی: ۳۱
برد: ۱۳
تساوی: ۶
شکست: ۳ باخت

انتصاب: اسفند ۸۶
اولین حضور روی نیمکت: ۲۲ فروردین ۸۷
آخرین حضور روی نیمکت: ۸ فروردین ۸۸